

تأثیر بکارگیری الگوی تفکر خلاق «رانکو و چاد» بر پرورش مهارت‌های حسابداری مدیریت دانشجویان رشته حسابداری*

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۷/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۵/۲۶

بهاره بنی طالبی دهکردی^۱

چکیده

این پژوهش برای اولین بار در کشور، با عنوان تأثیر بکارگیری الگوی تفکر خلاق «رانکو و چاد» بر پرورش مهارت‌های حسابداری مدیریت دانشجویان حسابداری و با هدف بررسی بکارگیری روش‌های موثر در دوران کارآموزی دانشجویان حسابداری، به منظور تربیت حسابداران مدیریت ماهر، انجام شده است. پژوهش حاضر یک مطالعه نیمه تجربی با طراحی دو گروه قبل و بعد از گذراندن دوره کارآموزی رشته حسابداری است که بر روی ۵۰ نفر از دانشجویان ترم آخر کارشناسی حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ صورت گرفت. ابزارهای گردآوری داده‌ها، مقیاس سنجش تفکر خلاق پیتر هانی و فرم ارزشیابی مهارت‌های مدیریتی در کارآموزی بر اساس روش بارس بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های t مستقل، t زوجی و آزمون همبستگی استفاده شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد ۷۲ درصد دانشجویان در گروه شاهد بعد از مداخله تفکر خلاق، سطح مهارت‌های مدیریتی آنان در حد متوسط بود. ولی سطح مهارت‌های مدیریتی ۶۸ درصد دانشجویان در گروه آزمون، در سطح مهارتی خوب قرار داشت. بعد از بکارگیری الگوی تفکر خلاق رانکو و چاد در کارآموزی، میانگین نمرات مهارت‌های مدیریتی هم در گروه آزمون و هم در گروه شاهد افزایش معنادار یافت. البته در گروه آزمون بکارگیری الگوی تفکر خلاق در کارآموزی موجب افزایش بیشتر مهارت‌های مدیریتی در ابعاد مهارت‌های ویژه و عمومی مدیریت نسبت به گروه شاهد گردیده بود.

واژه‌های کلیدی: الگوی تفکر خلاق «رانکو و چاد»، دانشجوی حسابداری، حسابداری مدیریت، مهارت‌های مدیریت.

* این مقاله بر اساس نتایج طرح پژوهشی استخراج شده است.

۱- استادیار گروه حسابداری و عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد، شهرکرد، ایران Banitalebi57@yahoo.com

۱- مقدمه

در مسیر دستیابی مدیریت به اهداف متعالی سازمان نظیر خلق ارزش، عوامل بسیاری نقش دارند و دانش حسابداری به عنوان یکی از این عوامل تاثیر گذار، نقش ویژه ای در افزایش کارایی، اثربخشی، ارتقا و خلق ارزش هر سازمان کسب نموده است. ارزیابی عملکرد مدیران بر اساس اطلاعات حسابداری مدیریت برای تصمیم‌گیری‌هایی که منجر به خلق ارزش می‌شود، برای سازمان‌ها، بسیار ضروری است و ضرورت تربیت حسابداران مدیریت ماهر، به عنوان نقش آفرینان اصلی سازمان‌ها، که در مواجهه با تغییرات محیطی، مهارت‌های شناسایی و حل مسئله را با استفاده از مهارت‌های تفکر خلاق، دارا باشند، بیش از هر زمان احساس می‌شود.

لذا نیاز امروز جامعه و سازمانها، همچنین انتظار از دانشجویان رشته حسابداری، که حسابداران مدیریت آینده سازمان‌ها خواهند بود و در حیات و بهره‌وری سازمان‌ها نقش بسزایی ایفاء خواهند نمود، کسب توانایی، مهارت و دانش کافی برای ایده‌پردازی خلاقانه و ارتقاء قدرت تصمیم‌گیری موثر در محیط‌های عملیاتی و آموزش مهارت‌های حل مسئله در طول دوران دانشگاه با استفاده از الگوها و تکنیک‌های مدرن است. (رهنمای رودپشتی، ۱۳۸۷).

بر همین اساس و با توجه به اهمیت این مقوله، برخورداری از مهارت‌های مختلف در مسائل تصمیم‌گیری و داشتن تفکر خلاق در کنار صلاحیت‌های علمی و توانایی‌های فنی (تخصصی) برای حسابداران و خصوصاً حسابداران مدیریت که در سازمانها از آنان به ارزش آفرینان، یاد می‌شود، بسیار مهم است. آنها بیشتر به جای ثبت تاریخی و رعایت (حفظ امتیاز) جنبه‌های حرفه‌ای، علاقه دارند به جلو نگاه کنند و تصمیماتی بگیرند که آینده سازمان را تحت تاثیر قرار خواهد داد و سیستم‌های مدیریت و حسابداران مدیریت نیز باید بتوانند خود را با این تغییر فضای کاری سازگار کنند. فضایی که راه‌حل‌های بهتر، سریعتر و ارزان‌تری را طلب می‌کند. (رهنمای رودپشتی، ۱۳۸۷).

بنابراین کسب دانش و تجربه حسابداری مدیریت که از دوران تحصیل آغاز می‌شود؛ میتواند از زمینه‌ها و کارکردهای درون یک سازمان مانند مدیریت اطلاعات، خزانه داری، حسابرسی کارایی، بازاریابی، ارزشیابی، قیمت‌گذاری، تدارکات و... حاصل شود.

در این میان، دانشجویان حسابداری امروز و حسابداران مدیریت فردا، برای ایفاء موثر نقش کلیدی خود در سازمانها، از طریق شناخت راهکارهای تقویت خلاقیت و آگاهی از میزان خلاقیت خود میتوانند از حداکثر توانمندی‌های فکری، ذهنی و عقلی در جهت پویایی موسسات مالی، حسابرسی، حسابداری و ... بهره گرفته و از طریق ایجاد، پرورش و کاربردی نمودن خلاقیت، جسارت علمی، انتقادگری، انتقادپذیری و روحیه نوآفرینی و خلق ارزش را در سیستم اقتصادی و مالی تقویت کنند.

یکی از راهکارهای موثر به منظور سازگاری حسابداران مدیریت با تحولات نوین جهانی، بهره‌گیری از تفکر خلاق است. تفکر خلاق در به کارگیری دانش و مهارت‌های علمی و حرفه‌ای نقش مهمی دارد و شیوه‌های تفکر خلاق می‌تواند مهارت‌های مختلفی از جمله ظرفیت‌های تصمیم‌گیری را توسعه دهد. با این حال، بر اساس بررسی‌های انجام شده و با توجه به اینکه با داشتن برنامه‌های درسی که عمدتاً بر جنبه‌های فنی تأکید دارند، تا چه اندازه می‌توان حسابدارانی تربیت کرد که در موقعیت‌های چالشی بتوانند تصمیمات درستی اتخاذ کنند، سؤال بی‌پاسخ است (ویدا مجتهد زاده و همکاران ۱۳۹۳).

بر این اساس، یکی از اولویت‌های اساسی هر کشور، طراحی سیستم مناسب آموزشی در هر رشته و از جمله رشته حسابداری جهت تربیت بهینه دانشجویانی است که در آینده حسابداران مدیریتی خواهند شد که باید برای تصدی مشاغل مختلف مالی سازمانها و ارایه طریق موثر به مدیران دستگاه‌ها، توان تصمیم‌گیری بهینه و پذیرش و انعطاف‌پذیری با شرایط در حال تحول بازار کار و تعاملات در سطح کلان را داشته باشند. در چنین فضایی، حسابداران مدیریت نیازمند طیف وسیعی از توانائی‌ها در

محیط‌های عملیاتی از تحقیق و توسعه گرفته حسابداری، بازاریابی، امور مالی و هر فعالیت سنتی دیگر مدیریتی-مالی است (صالحی و همکاران، ۱۳۸۸) پژوهش حاضر با هدف ارتقا جایگاه حسابداری مدیریت در سازمانها، به بررسی تأثیر بکارگیری تفکر خلاق در ارتقاء مهارت‌های حسابداری مدیریت در بین دانشجویان کارشناسی حسابداری می‌پردازد. در حقیقت بر اساس این رویکرد محقق قصد دارد به بیان فلسفی، نقش تفکر خلاق و مدیریت آن در دانش حسابداری مدیریت را تبیین نماید و به سوال اصلی پژوهش یعنی آیا می‌توان با بکارگیری رویکرد تفکر خلاق، مهارت‌های حسابداری مدیریت را در بین دانشجویان حسابداری افزایش داد؟ پاسخ دهد.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

تحقیق در مورد خلاقیت و عناصر تشکیل دهنده آن، بیش از یک قرن پیش توسط دانشمندان علوم اجتماعی شروع شد، ولی انگیزه اساسی برای پژوهش بیشتر در سال ۱۹۵۰ توسط گیلفورد ایجاد گردید. از خلاقیت^۱ تعریف‌های زیادی شده است. گیلفورد^۲ خلاقیت را با تفکر واگرا (دست یافتن به رهیافتهای جدید برای حل مسائل) در مقابل تفکر همگرا (دست یافتن به پاسخ صحیح) مترادف می‌داند. (شهرآرای و مدنی پور، ۱۳۷۵).

لوتانز (۱۹۹۲)، استاد رفتار سازمانی، خلاقیت را به وجود آوردن تلفیقی از اندیشه‌ها و رهیافتهای افراد و یا گروهها در یک روش جدید، تعریف کرده است. بارزمن خلاقیت را فرآیند شناختی از به وجود آمدن یک ایده، مفهوم، کالا یا کشفی بدیع می‌داند (شهرآرای و مدنی پور، ۱۳۷۵).

خلاقیت به معنای توانایی ترکیب ایده‌ها در یک روش منحصر به فرد یا ایجاد پیوستگی بین ایده هاست. (رابینز، ۱۹۹۱) خلاقیت عبارت است از به کارگیری تواناییهای ذهنی برای ایجاد یک فکر یا مفهوم جدید. (رضائیان، ۱۳۷۳)

خلاقیت همچون عدالت، دموکراسی و آزادی برای افراد دارای معانی مختلف است ولی یک عامل

مشترک در تمام خلاقیت‌ها این است که خلاقیت همیشه عبارتست از پرداختن به عوامل جدیدی که عامل خلاقیت در آنها موجود بوده و به عنوان مجموع میراث فرهنگی عمل می‌کنند ولی آنچه که تازه است ترکیب این عوامل در الگویی جدید است (جک هالوران - دوگلاس نبتون، ۱۹۹۲) تلاشهای خلاقیت وسیله ای برای نوآوری است. خلاقیت بیشتر یک فعالیت فکری و ذهنی است و نوآوری بیشتر جنبه عملی دارد و در حقیقت محصول نهایی عمل خلاقیت است. (فرنودیان، ۱۳۷۰)

از دیدگاه روانشناسی، خلاقیت یکی از جنبه‌های اصلی تفکر یا اندیشیدن است. تفکر عبارت است از فرایند بازاریابی یا تغییر اطلاعات و نمادهای کسب شده موجود در حافظه درازمدت.

بر اساس این تعریف خلاقیت ارتباط مستقیمی با قوه تخیل یا توانایی تصویرسازی ذهنی دارد. این توانایی عبارت است از فرایند تشکیل تصویرهایی از پدیده‌های ادراک شده در ذهن و خلاقیت عبارت است از فرایند یافتن راه‌های جدید برای انجام دادن بهتر کارها؛ (مقیمیان، ۱۳۹۱).

از دیدگاه سازمانی نیز خلاقیت، ارائه فکر و طرح نوین برای بهبود و ارتقای کمیت یا کیفیت فعالیتهای سازمان «مثلا افزایش بهره‌وری، افزایش تولیدات یا خدمات، کاهش هزینه‌ها، تولیدات یا خدمات از روش بهتر، تولیدات یا خدمات جدید و... است. بررسی‌ها نشان می‌دهد معنای خلاقیت نزد همه یکسان نیست و بیش از ۱۰۰ نوع تعریف خلاقیت وجود دارد. اما به طور کلی تعاریف مربوط به خلاقیت را می‌توان به دو دسته اصلی تقسیم کرد.

(۱) نگرش‌های خاستگاهی

(۲) نگرش‌های فرآیندی

نگرش‌های خاستگاهی: روانکاوان و گروهی از روانشناسان بیشتر به خاستگاه خلاقیت توجه کرده‌اند تا به خود آن، مثلا زگلونه فهدیه معتقد بود که خلاقیت از تعرض درون فرد ناشی می‌شود و هنگامی پدید می‌آید که انرژی امیال ارضا نشده (و ارضا نشدنی) در نیل به هدفهای ممنوعه ابتدائی به سمت

هدف‌های جامعه پسند تغییر جهت دهد. به نظر فروید فرآیند خلاق شامل برونی کردن فرآورده‌های درونی تخیل از طریق تعامل گونه‌های ابتدائی و بالغ تفکر است. فروید دو فرآیند فکری را از هم تمیز می‌دهد. فرآیند اولیه فکر ناخودآگاه، تصادفی، انگیزشی و بدون ارتباط با واقعیت است و فرآیند ثانویه منطقی، هدفمند و در ارتباط با واقعیت است فرد خلاق کسی است که از تفکر نوع اولیه (خیالپردازی و رویا بافی) بی‌آنکه مقهورش شود استفاده کند و فرآیند ثانویه را برای تبدیل طرح‌های حاصل از تفکر اولیه به طرح‌های تحقق پذیر به کار گیرد.

روانشناسان انسان‌گرا از قبیل فروم، ماسلو و راجرز این چشم انداز روانکاوانه را وارونه کردند و گفتند که خلاقیت هنگامی خود می‌نماید که هیچ تعارضی در درون فرد وجود نداشته باشد. به نظر آنها خلاقیت معلول تعامل افراد سالم و فارغ از تعارض با محیط‌های سالم و مساعد است. پس فرآیند خلاقیت شامل آزادسازی قوه طبیعی خلاقیت از طریق حذف نیروهای بازدارنده فرد و موانع موجود در محیط آنهاست. روان سنج‌هایی چون گیلفورد نیز خلاقیت را قوه ای طبیعی می‌دانند که در محیط مساعد مجال بروز می‌یابد. اما معتقدند که قوه هر فرد منوط به داشته‌های ژنتیکی اوست. لذا از این‌رو، می‌توان «قوة خلاقیت، افراد را با آزمون‌های استاندارد شده اندازه گیری کرد. در این نظریه نیز مانند نظریه روانکاوانه فرآیند خلاقیت از تعامل دو نوع تفکر متباین حاصل می‌شود. «تفکر واگرا» که اطلاعات را به انواع شقوق نامتعارف تبدیل می‌کند و «تفکر همگرا» که در پی نتایج «تکین» یا «متعارف» است (فرنودیان، ۱۳۷۰).

نگرش‌های فرآیندی: تداعی گرایان و کسانی که نگرش «اطلاعات پردازشی» را در پیش می‌گیرند بیشتر به فرآیند فکر توجه دارند تا خاستگاه آن. البته بر جنبه‌های متفاوتی از این فرآیند تاکید می‌کنند، اما همه آنها خلاقیت را کیفیتی از این فرآیند از این فرآیند می‌دانند که اکتسابی است و با آموزش و ممارست ارتقاء می‌یابد (مقیمیان، ۱۳۹۱).

مراحل خلاقیت ممکن است به فعالیت قوه درک و خرد انسان، یا مراحل مجزا ولی به هم پیوسته تعریف شود که انسان را به رهیافت‌هایی هدایت کند. نویسندگان و صاحب نظران این مراحل را به گونه‌های مختلف مطرح کرده‌اند. فرآیند خلاقیت به ترتیب در برگیرنده مراحل روبرو شدن با ایده یا مشکل، شدت روبروشدن و رابطه روبروشدن با محیط است که فرد خلاق را احاطه کرده است.

اتریک، (۱۹۷۴) از صاحب نظران مدیریت، فرآیند خلاقیت را از اندیشه تا عمل به سه مرحله: به وجود آوردن اندیشه، پرورش اندیشه و به کارگیری اندیشه تقسیم کرده است.

آلبرشت (۱۹۸۷) مراحل خلاقیت عملی و قابل اجرائی را که از پنج مرحله تشکیل شده است، پیشنهاد می‌کند این مراحل به ترتیب عبارتند از: جذب اطلاعات، الهام، آزمون، پالایش و عرضه.

وی معتقد است که شخص خلاق، اطلاعات پیرامون خود را جذب می‌کند و برای بررسی مسائل، رهیافتهای مختلفی را مورد بررسی قرار می‌دهد. زمانی که ذهن فرد خلاق از اطلاعات خام انباشته شد، به طور غیرقابل محسوس شروع به کار می‌کند و پس از تجزیه و تحلیل و ترکیب اطلاعات، رهیافتی برای مسئله ارائه می‌کند. (شهرآرای، مدنی پور، ۱۳۷۵).

اما خلاقیت از دیدگاه سازمانی عبارت است از آرایه فکر و طرح نوین برای بهبود و ارتقای کمیت یا کیفیت سازمان و نوآوری. افزایش خلاقیت در سازمانها می‌تواند به ارتقای کمیت و کیفیت خدمات، کاهش هزینه‌ها، جلوگیری از اتلاف منابع، کاهش بوروکراسی، افزایش رقابت، افزایش کارایی و بهره‌وری، ایجاد انگیزش و رضایت شغلی در کارکنان منجر گردد. نقش مدیر در پرورش خلاقیت، تحریک و تشویق کارکنان، تفویض اختیار به کارکنان، پیدا کردن ذهن‌های خلاق و استفاده از خلاقیت دیگران است (فرنودیان، ۱۳۷۰).

تورنس (۱۹۹۰) و مللو (۱۹۹۶) در پژوهشی ضمن انتقاد از آموزش و پرورش سنتی، بر اهمیت تغییر و تحول برنامه‌های سنتی و هدایت آموزش به

سمت برنامه های خلاق تاکید می ورزند. متخصصان برنامه درسی به این سمت متمایل شدند که معلمان را به عنوان افراد یاری دهنده در فرایند برنامه ریزی درسی ببینند. در نتیجه، برنامه ریزی درسی مدرسه- محور به عنوان نظام مکملی برای فعالیتهای برنامه ریزی درسی متمرکز مشروعیت یافت (اسکیل بک، ۱۹۸۵، هاریسون، ۱۹۸۱، بردی، ۱۹۸۷).

هارینگتون (۱۹۹۰) و آمایل و ترسا (۱۹۹۸) در تحقیقات خود بیان کرده است که بین انگیزه های شخصی و نوآوری یک رابطه قوی وجود دارد. عوامل شخصیتی به عنوان مرکز کنترل درونی به طور مستقیم با نوآوری ها در ارتباطند؛ این عوامل داوری مستقل، خطر ریسک کردن و خود کنترلی در شرایط متفاوت می باشند. استرنبرگ (۲۰۰۴) بر پنج صفت افراد نوآور که در شخصیت افراد ریشه دارد، تأکید میکند. این صفات عبارتند از: تحمل ابهام، پشتکار و مداومت، اراده، خطرپذیری و ریسک و استقلال فردی. بلند فور (۲۰۰۵) در پژوهش خود نشان داد که تقویت قابلیتها و ویژگی های شخصی می تواند نوآوری و افزایش کارایی به همراه داشته باشد.

در همین راستا نتایج تحقیقات سیگل و کولیسزا (۱۹۹۵) نشان می داد که فارغ التحصیلان حسابداری در شرکت های آمریکایی برای حل مسائل بحرانی حسابداری مدیریت توانایی لازم را نداشته و مدیران شرکتها تمایل دارند که محتوای دروس حسابداری به طور صریح و روشن بر اساس آنچه که حسابداران در موقعیت واقعی حسابداری مدیریت انجام می دهند به آنها آموزش داده شود.

سیگل و سورنسون (۱۹۹۴) نیز در تحقیق خود در پی پاسخ به این سوال بودند که شرکتهای آمریکایی چه توقعی از حسابدارانی که تازه وارد حرفه می شوند، دارند. نتایج تحقیق آنها حاکی از این بود که نحوه آموزش دانشگاه ها برای یک شغل حسابداری مدیریت از لحاظ انطباق با نیازهای موجود کفایت نمی کند. آنها پیشنهاد نمودند که نیاز به برقراری یک ارتباطی بین دانشگاه و افراد شاغل در حرفه وجود دارد تا از این طریق پلی بین عقاید این دو گروه بتوان بنا نمود.

چابراک و کریج (۲۰۱۲) در بررسی رابطه بین عملکرد تحصیلی دانشجویان رشته حسابداری و تفکر خلاقانه نشان دادند که رابطه ای مثبت میان آموزش مبتنی بر تفکر خلاقانه و موفقیت تحصیلی وجود دارد. آن ها پیشنهاد دادند که در رشته حسابداری تفکر خلاقانه می تواند به عنوان یک واحد درسی گنجانده شود.

یونگ و وارن (۲۰۱۱) نیز در تحقیقات خود، وجود تفکر خلاقانه برای موفقیت در رشته حسابداری الزامی می دانند. آن ها معتقدند که استادان این رشته باید با حل مسایل دروس پایه حسابداری با استفاده از رویکرد تفکر خلاقانه، این نوع تفکر را در یادگیری دانشجویان حسابداری ارتقاء دهند.

کروم و ویلیامز (۲۰۱۲) در پژوهشی تفکر خلاقانه دانشجویان رشته حسابداری را با استفاده از قصه نویسی و داستان سرایی درباره مفاهیم حسابداری افزایش دادند. آن ها از دانشجویان خواسته بودند که درباره هریک از مفاهیم و اصطلاحات حسابداری یک داستان یا یک شعر بنویسند. نتایج پژوهش آن ها بیانگر آن بود که این شیوه، میزان درک و یادگیری دانشجویان را افزایش می دهد و به نظر دانشجویان کلاس، درس نیز خسته کننده نیست.

مشایخی و نورو (۱۳۸۴) به تعیین نیازهای و اولیت های آموزشی در حوزه حسابداری مدیریت و بررسی فاصله ادراکی بین دانشگاهیان و شاغلین در این حوزه فعالیت حسابداری پرداختند. نتایج پژوهش آن ها نشان داد که افراد شاغل در حرفه به استفاده از روش های سنتی حسابداری مدیریت تاکید دارند. هم چنین نتایج نشان داد که نقاط ضعف در استفاده از روش های نوین حسابداری مدیریت، عبارتند از: عدم آشنایی کافی با سیستم های اطلاعاتی، فقدان مهارت های ارتباطی و ضعف در کارهای گروهی فارغ التحصیلان رشته حسابداری. آن ها پیشنهاد می کنند تا برای رفع این نقاط ضعف، دوره های آموزشی ضمن خدمت برای کارکنان واحدهای تجاری گذاشته شود.

با توجه به اینکه پژوهشی با موضوع بکارگیری الگوی تفکر خلاق «رانکو و چاد» بر پرورش

نشان می‌داد که بین دیدگاه‌های طیف جامعه‌آماري نسبت به پنج مولفه مورد بررسی فوق‌الذکر تفاوت معنی‌داری وجود داشته و در حالی که مدرسین حسابداری به حسابداری مالی و دانشجویان مقاطع تکمیلی به حسابداری مدیریت بیشتر بها می‌دادند، شاغلین حرفه، پرداختن به مباحث حسابداری را اولویت مباحث آموزشی در راستای تامین نیازهای جامعه مالی ایران عنوان کرده‌اند. اضافه بر آن در رابطه با موضوعات جدید حسابداری، اساتید دانشگاه و دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی از درس حسابداری مدیریت پیشرفته نام برده‌اند در حالیکه مدیران شاغل در حرفه تهیه و تنظیم صورتهای مالی و یادداشتهای مربوطه و گزارشات مدیریتی را در اولویت قرار داده‌اند.

نتایج پژوهش بنی‌مهد و مهربان (۱۳۹۳) با عنوان مقایسه تفکر خلاقانه با موفقیت تحصیلی میان دانشجویان رشته حسابداری که به مقایسه دو گروه از دانشجویان مقطع کارشناسی حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه‌های دولتی پرداخته‌است، نشان می‌دهد خلاقیت بر موفقیت تحصیلی اثرگذار است. دانشجویانی که دارای دیپلم ریاضی هستند، خلاقیت و موفقیت تحصیلی بیشتری در مقایسه با سایر دانشجویان دارند. هم‌چنین خلاقیت و موفقیت تحصیلی در میان دانشجویان دانشگاه‌های دولتی بیشتر از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی است. هم‌چنین نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل رگرسیون چند متغیره، نشان می‌دهد موفقیت تحصیلی در مقطع کارشناسی رشته حسابداری تابعی از نوع دیپلم، تحصیل در دانشگاه دولتی، جنسیت و میزان علاقه است.

سایمن و همکاران (۲۰۰۷) تفکر خلاقانه دانشجویان رشته حسابداری را در ۱۰ دانشگاه از دانشگاه‌های آمریکا مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها دریافتند تفکر خلاقانه دانشجویان رشته حسابداری متفاوت از سایر دانشجویان نیست. هم‌چنین آن‌ها نشان دادند دانشجویان با نمره خلاقیت بالا، علاقه

مهارت‌های حسابداری مدیریت دانشجویان رشته حسابداری تا کنون در ایران انجام نشده‌است، در ادامه به برخی از پژوهش‌های انجام شده داخلی و خارجی مرتبط با موضوع پژوهش اشاره می‌شود.

حسینی نسب و همکاران (۱۳۸۲) تحقیقی بر روی ۵۰۰ نفر از دانشجویان دختر و پسر دانشگاه تبریز با عنوان بررسی شیوه‌های اسناد علی و راهبردهای یادگیری در دانشجویان و رابطه آنها با هوش، خلاقیت، جنسیت و رشته تحصیلی انجام دادند. از یافته‌های پژوهش می‌توان به این موارد اشاره کرد: هرچه افراد از بهره هوشی و خلاقیت بیشتری برخوردار باشند، مرکز کنترل درونی و کنترل‌پذیری بیشتری دارند. علاوه بر این، دانشجویان خلاق در استفاده از راهبردهای یادگیری نسبت به دانشجویانی با میزان خلاقیت کم، به مراتب بهتر عمل می‌کنند.

ذهبیون و احمدی (۱۳۸۹) رابطه تفکر خلاق با موفقیت تحصیلی در ۲۵۰ دانشجویان رشته‌های مختلف در مقاطع کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد را دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها با استفاده از پرسش‌نامه خلاقیت پیترونی، خلاقیت دانشجویان را اندازه‌گیری و نشان دادند که میان خلاقیت و موفقیت تحصیلی رابطه‌ای وجود ندارد. هم‌چنین نتایج این پژوهش بیانگر آن بود خلاقیت در دانشجویان کارشناسی ارشد و کارشناسی و کاردانی متفاوت است و دانشجویان کارشناسی ارشد خلاقیت بیشتری در مقایسه با سایر دانشجویان دارند.

رهنمای رودپشتی، وکیلی‌فرد و رئیس‌زاده (۱۳۸۹) نیز طی تحقیقی به بررسی و تعیین دیدگاه‌های دانشجویان، اساتید دانشگاه و شاغلین در حرفه نسبت به اولویتهای گرایش‌های تخصصی حسابداری، محتوای دروس تخصصی، میزان واحدهای دروس تخصصی و موثرترین روش تدریس حسابداری به منظور تدوین چارچوبی برای برنامه ریزی رشته حسابداری در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری با استفاده از روش آماری تحلیل عاملی با کمک داده‌های فازی پرداختند. نتایج تحقیق ایشان

بیشتری به رشته حسابداری دارند و موفقیت تحصیلی آن‌ها بیشتر است.

کراسر و لافر (۲۰۰۷) برای ارتقاء تفکر خلاقانه دانشجویان رشته حسابداری تکالیفی مانند حل مسائل مرتبط با تفکر خلاقانه، گزارش نویسی و مهارت‌های اجتماعی را به دانشجویان واگذار نمودند. نتایج کار آن‌ها موجب افزایش تفکر خلاقانه دانشجویان رشته حسابداری شد و درک دانشجویان از حسابداری گسترش یافت.

سامکین و فرانسیس (۲۰۰۸) در نیوزلند در آموزش حسابداری مالی از تکنیک‌های تفکر خلاقانه مانند گزارش نویسی و خلاصه برداری، بحث و استدلال‌های گروهی درباره حل مسئله استفاده نمودند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که این تکنیک‌ها در میان دانشجویان ناشناخته است و در عوض دانشجویان عادت دارند تا با تلاش خود و به صورت انفرادی مطالب درس را فراگیرند.

در پژوهش دیگری اولاتوی و همکاران (۲۰۱۰) رابطه خلاقیت و موفقیت تحصیلی دانشجویان مدیریت بازرگانی را در نیجریه بررسی نمودند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که رابطه‌ای بین موفقیت تحصیلی و خلاقیت وجود ندارد. هم‌چنین آن‌ها دریافتند که خلاقیت میان مردان و زنان تفاوت معنی‌داری ندارد. آن‌ها پیشنهاد می‌دهند که برای ارتقای موفقیت تحصیلی دانشجویان رشته مدیریت بازرگانی آموزش خلاقیت را در دوره‌های آموزشی مدنظر قرار گیرد. در پژوهش دیگر، پژوهشگران برای آموزش حسابداری تقسیم سود، از روش‌های تحلیلی و تفکر خلاقانه استفاده نمودند. آن‌ها نشان دادند که این روش‌ها می‌تواند در یادگیری و موفقیت تحصیلی دانشجویان رشته حسابداری موثر باشد (هال و تکر، ۲۰۰۹).

۲-۱- حسابداری مدیریت و نقش‌های آن

انجمن ملی حسابداران آمریکا، حسابداری مدیریت را چنین تعریف کرده است: فرآیند شناسایی، جمع‌آوری، اندازه‌گیری، تجزیه تحلیل، تدارک، مشارکت و ارتباط با اطلاعات مالی مورد استفاده مدیریت در

برنامه ریزی، ارزیابی و کنترل عملیات داخل سازمان. حصول اطمینان در استفاده مناسب از اطلاعات در جهت پاسخگویی در بکارگیری منابع سازمان در فرآیند مذکور تحقق می‌یابد. (رهنمای رودپشتی ۱۳۸۷)

بنابراین به حسابداران مدیریت در بین حسابداران به عنوان "ارزش آفرینان" نگاه میشود. آنها بیشتر به جای ثبت تاریخی و رعایت (حفظ امتیاز) جنبه‌های حرفه‌ای، علاقه دارند به جلو نگاه کنند و تصمیماتی بگیرند که آینده سازمان را تحت تاثیر قرار خواهد داد. بنابراین کسب دانش و تجربه حسابداری مدیریت که از دوران تحصیل آغاز می‌شود؛ می‌تواند از زمینه‌ها و کارکردهای درون یک سازمان مانند مدیریت اطلاعات، خزانه داری، حسابرسی کارایی، بازاریابی، ارزشیابی، قیمتگذاری، تدارکات و... حاصل شود.

در این میان وظایف حسابداران مدیریت و نقش آنها در سازمانها به گونه‌ای است که از طریق ارائه اطلاعات مربوط به وضعیت و عملکرد مالی، شهروندان را از نتایج عملکرد دولتها مطلع میکند. گزارشهای مالی میتوانند اطلاعاتی درباره نتایج عملکرد، وضعیت مالی، کارایی، صرفه اقتصادی، اثربخشی، رعایت حقوق درون نسلی و بین نسلی و اطلاعاتی برای پیش بینی وضعیت آینده دولتها و شهرداریها در اختیار شهروندان قرار دهند. شهروندان نیز، بر مبنای این اطلاعات درباره عملکرد دولتها و نمایندگان خود قضاوت میکنند تا برای آینده تصمیم بگیرند و در صورت رضایتمندی میتوانند برای دوره یا دوره‌های بعد، اختیار استفاده از منابع عمومی که منابع و منافع ملی هستند را به مسئولان منتخب واگذار نمایند.

بنابراین حسابداران مدیریت به شفافیت فعالیت‌های مالی و اقتصادی و آرامش جامعه کمک می‌کنند و اینها همه لازمه توسعه و پیشرفت اقتصادی موسسات و در نهایت جامعه است (باباجانی، ۱۳۸۰). به طور کلی برای ایفاء و ارزیابی مسئولیت پاسخگویی با اثربخشی هر چه بیشتر باید تمامی این خرده نظام‌ها با بهترین ویژگی‌ها تشکیل شوند تا هر یک بخشی از مسئولیت پاسخگویی را تحقق بخشند. در پارادایم

شخصیت: افراد خلاق عموماً دارای ویژگی‌های شخصیتی مانند مصر بودن، مقاوم بودن در مقابل فشارهای بیرونی و داخلی و نیز مقاوم بودن در مقابل وسوسه هم‌رنگ جماعت شدن هستند؛ محیط: افراد خلاق عموماً در داخل محیط‌های حمایتی بیشتر امکان ظهور می‌یابند (شهرآرای، مدنی پور، ۱۳۷۵).

این محققان مشخص کردند که عمده‌ترین دلیل عدم کارایی برنامه‌های آموزش خلاقیت تاکید صرف این برنامه‌ها بر تفکر خلاق به عنوان یکی از شش منبع موثر در خلاقیت است. جایی که سایر عوامل نیز تاثیر بسزایی در موفقیت و شکست برنامه‌های آموزش خلاقیت ایفا می‌کنند جورج اف نلر در کتاب هنر و علم خلاقیت، برای خلاقیت مراحل چهارگانه: آمادگی^۱، نهفتگی، اشراق و اثبات^۲ را ذکر کرده است. از این دید، افراد خلاق ابتدا با مسئله یا یک فرصت آشنا شده و سپس از طریق جمع‌آوری اطلاعات با مسئله یا فرصت مورد نظر درگیر می‌شوند. در مرحله بعد افراد خلاق روی مسئله تمرکز می‌کنند. در این مرحله فعالیت ملموسی مشاهده نمی‌شود و فرد سعی در نظم دادن تفکرات، اندیشه‌ها، تجارب و زمینه‌های قبلی خود جهت نیل به یک ایده دارد. درگیری ذهنی عمیق فرد (خودآگاه و ناخودآگاه) فراهم کردن فرصت (جهت تفکر بر مسئله) به خلق و ظهور ایده‌ای جدید و بدیع منجر می‌شود. در نهایت فرد خلاق در صدد برمی‌آید صلاحیت و پتانسیل ایده خویش را به اثبات برساند. (فرنودیان، ۱۳۷۰)

روانشناسان نیز سعی داشته‌اند تامل‌شخصات افرادی که دارای سطح بالایی از خلاقیت هستند را مشخص کنند، «استیز» عوامل زیر را برای افراد خلاق بیان داشته است:

- ۱) سلامت روانی و ادراکی: توانایی ایجاد تعداد زیادی ایده به طور سریع؛
- ۲) انعطاف پذیری ادراک: توانایی دست کشیدن از یک قاعده و چارچوب ذهنی؛

نویسن حسابداری مدیریت که بر پایه ارزش آفرینی استوار است، به نیازهای مشتریان و پاسخگو بودن به آنها توجه خاص شده و فراهم نمودن بستر مساعد در مسیر پارادایم نوین بر عهده حسابداران مدیریت در سازمانهاست. از همین رو است که در بین حسابداران، از حسابداران مدیریت به عنوان "ارزش آفرینان" یاد می‌شود (رهنمای رودپشتی، ۱۳۸۷).

بنابراین، نقش حسابداری مدیریت، به عنوان یک شریک تجاری راهبردی و ارائه دهنده اطلاعات مالی و عملیاتی مبنای تصمیم‌گیری مدیریت، عبارت از تهیه و ارائه اطلاعات مرتبط و سودمند برای کمک به مدیریت در برنامه‌ریزی فعالیت‌ها، اعمال کنترل مدیریت و تصمیم‌گیری عقلایی برای تحقق اهداف سازمان است. نقش‌هایی که حسابداری در تنظیم قراردادهای و نیز کنترل ریسک‌های اخلاقی و گزینش نامطلوب دارد و باید برجسته شود. (رهنمای رودپشتی، ۱۳۸۷).

لذا با توجه به تعدد نقش‌های حسابداران مدیریت و اهمیت و جایگاه هر کدام و تاثیر گذاری هر یک در جامعه، پرورش و تربیت حسابداران مدیریت خلاق و دارای قدرت تفکر و تصمیم‌گیری موثر در هر سازمان، یک ضرورت و نیاز اساسی است.

۲-۲- ویژگی‌های افراد خلاق

روبرت جی استرنبرگ و لیندا ای اوهارا (۱۹۹۷) در بررسی‌های خود شش عامل را در خلاقیت افراد موثر دانسته‌اند:

دانش: داشتن دانش پایه‌ای در زمینه‌ای محدود و کسب تجربه و تخصص در سالیان متمادی؛
توانایی عقلانی: توانایی ارائه ایده خلاق از طریق تعریف مجدد و برقراری ارتباطات جدید در مسائل؛
سبک فکری: افراد خلاق عموماً در مقابل روش ارائه شده از طرف سازمان و مدیریت ارشد، سبک فکری ابداعی را بر می‌گزینند.
انگیزش: افراد خلاق عموماً برای به فعل درآوردن ایده‌های خود برانگیخته میشوند؛

دسترسی به مدیران: سازمانهای خلاق بر این اعتقاد هستند که دانش در سطح سازمان به وفور پراکنده شده است و مدیران به راحتی می توانند افکار و نظرات دیگران رامستقیم و بدون واسطه دریافت کنند

احترام به افراد: ویژگی دیگر سازمان خلاق احترام به افراد است و آنها باور دارند که می توانند همگام با نیازهای سازمان، رشد کنند

ارائه خدمات مردمی: هدف نهایی در این سازمانها توجه به نیازمندیهای جامعه و جلب رضایت آحاد مردم است.

در سازمان خلاق افراد دارای یک تخصص ویژه نیستند و این امکان را دارند که برای قرارگرفتن در جایگاه مناسب گردش شغلی داشته باشند؛

کارگروهی: روابط دائمی و بلندمدت کارکنان با این نوع سازمانها و در نتیجه برخورداری آنها از امنیت شغلی از دیگر ویژگیهای این سازمانهاست

استقبال مدیران از عامل تغییر: در این سازمانها تمامی مدیران، مسئله تغییر را به عنوان تنها عامل ثابت و گریزناپذیر می دانند و با خشنودی آن را پذیرفته و در برابر آن مقاومت نمی کنند. طبیعی است در چنین سازمانی ضرورت ندارد که مدیر بخش زیادی از وقت خود را برای جلوگیری برخورد با تغییرات اختصاص دهد زیرا همه به این باور رسیده اند که تغییر یک ارزش مثبت است. سازمانها می توانند از انواع تکنیک های توسعه خلاقیت گروهی به شکل جدی و مستمر استفاده کنند. (شهرآرای و مدنی پور، ۱۳۷۵).

۲-۴- تکنیک های توسعه خلاقیت گروهی

برای اینکه خلاقیتی ایجاد و پرورش یابد بایستی فنون و تکنیک هایی رعایت گردد. محققان مختلف فونونی را ذکر کرده اند که به مهمترین آنها اشاره می شود:

- تکنیک تحرک مغزی (طوفان فکری):

یکی از تکنیک های متداول در ایجاد خلاقیت و فعال ساختن اندیشه ها به صورت گروهی، تکنیک

۳) ابتکار: توانایی در ایجاد و ارائه پیشنهادهای جدید؛

۴) ترجیح دادن پیچیدگی نسبت به سادگی: توجه کردن و در نظر گرفتن چالش های جدید مسائل پیچیده؛

۵) استقلال رای و داوری: متفاوت بودن از همکاران در ارائه نظرات و اندیشه های نو عدهای دیگر.

به طور کلی ویژگی های افراد خلاق را به صورت زیر دسته بندی می کنند:

۱- خصوصیات ذهنی: کنجکاو، دادن ایده های زیاد درباره یک مسئله، ارائه ایده های غیرعادی، توجه جدی به جزئیات، دقت و حساسیت نسبت به محیط به خصوص به نکاتی که در نظر دیگران عادی به شمار می روند، روحیه انتقادی، علاقه وافر به آزمایش کردن و تجربه و نگرش مثبت نسبت به نوآفرینی

۲- خصوصیات عاطفی: آرامش و آسودگی خیال، شوخ طبعی، علاقه به سادگی و بی تکلمی در نوع لباس و جنبه های گوناگون زندگی، دلگرمی و امید به آینده، توانایی برقراری ارتباط عمیق و صمیمانه با دیگران، اعتماد به نفس و احترام به خود و شهامت

۳- خصوصیات اجتماعی: پیش قدمی در قبول و رویارویی با مسایل، مسئولیت پذیری و توانایی سازمان دادن به فعالیت های گوناگون، قدرت جلب حس اعتماد و اطمینان دیگران (رضائیان، ۱۳۷۳)

۲-۳- ویژگی های سازمان خلاق

برخی از ویژگی های سازمان خلاق عبارتند از:

رقابت کامل و فشرده است: در یک سازمان در صورتی خلاقیت صورت می پذیرد که رقابت کامل در آن حاکم باشد؛

فرهنگ: یکی از عوامل عمده ای که به بالندگی مدیریت کمک می کند فرهنگ مردم است. برپایه یک فرهنگ خوب، اتلاف وقت گناه محسوب می شود. بدیهی است در چنین بستر مناسبی جهت رقابت، خلاقیت یا سازمان های پویا بهتر شکل می گیرد.

گرفته اند. برنامه ریزی های رایانه و موضوع هوش مصنوعی همه با الگوبرداری و تقلید از فعالیتهای مغز آدمی انجام شده اند و روند فعالیتها به گونه ای است که در آینده با ادامه این کار فنون و ابزارهای بدیع و جدیدی ساخته خواهند شد (آقایی، ۱۳۷۷).

- تکنیک گروه اسمی (NOMINAL GROUPING): گروه اسمی نام تکنیکی است که نیز تا حدودی در صنعت رواج یافته است. فرآیند تصمیم گیری متشکل از پنج مرحله است: اعضای گروه در یک میز جمع می شوند و موضوع تصمیم گیری به صورت کتبی به هریک از اعضا داده می شود و آنها چگونگی حل مسئله را می نویسند؛ هریک از اعضا به نوبه، یک عقیده را به گروه ارائه می دهد؛ عقاید ثبت شده در گروه به بحث گذارده می شود تا مفاهیم برای ارزیابی روشن تر و کامل تر شود؛ هر یک از اعضا مستقلاً و مخفیانه عقاید را درجه بندی می کنند؛ تصمیم گروه آن تصمیمی خواهد بود که در مجموع بیشترین امتیاز را به دست آورده باشد. (دالکی، ۱۹۶۹)

- تهییج ذهنی یا تکنیک گوردون تهییج ذهنی با تکنیک گوردون روشی است بسیار مناسب جهت یافتن راه‌حلهای جدید برای مسئله و نیز برای اکتشافات علمی و فنی. این روش فرایندی خاص و منحصر به فرد و در عین حال موثر دارد. فرایند به کارگیری این رویکرد عبارت است از: الف «شناسایی و تجزیه و تحلیل مشکل به منظور رسیدن به ماهیت جوهره آن؛ ب «کشف راه‌حلهایی برای آن جوهره از طریق دیدگاه غیرمرتبط با موضوع؛ ج «تلاش برای تبدیل راه‌حلهای به دست آمده به راه حل نهایی. در جلساتی که از این روش استفاده می شود فقط رهبر گروه از اصل موضوع اطلاع دارد و موضوعی که مطرح می شود دقیقاً اصل موضوع نیست بلکه موضوعی نزدیک به آن است.

تحرك مغزی، یورش فکری^۵ یا طوفان مغزی است. این تکنیک را نخستین بار دکتر الکس، اس، اسبورن مطرح کرد و چنان مورد استفاده و استقبال مردم و سازمانها در غرب قرار گرفته که جزئی از زندگی آنها شده است، یورش فکری در واژه نامه بین المللی وبستر چنین تعریف شده است: اجرای یک تکنیک گروه‌مایی که از طریق آن گروهی می کوشند راه حلی برای یک مسئله بخصوص با انباشتن تمام ایده‌هایی که در جا به وسیله اعضا ارائه می گردد بیابند. یعنی هیچ انتقادی از هیچ ایده ای جایز نیست. به هر ایده ای هرچند نامربوط خوش آمد گفته می شود.

در این تکنیک مسئله‌ای به یک گروه کوچک ارائه شده و از آنان خواسته می‌شود فی‌البداهه و به سرعت به آن واکنش نشان داده و برای آن پاسخی بیابند. پاسخ‌ها بر روی تابلویی نوشته می‌شوند به طوری که همه اعضای جلسه می‌توانند آنها را ببینند. این امر باعث می‌شود تا ذهن اعضا به فعالیت بیشتری پرداخته و جرقه‌ای از یک ذهن باعث روشنی ذهن دیگری شود. اولین دلیل اثربخشی تحرك مغزی افزایش قدرت خلاقیت در گروه است، افراد در حالت گروهی بیش از حالت انفرادی قدرت تصور خلاق بروز می‌دهند. رقابت نیز عامل دیگری است که در جلسات تحرك مغزی موجب افزایش اثربخشی می‌گردد. همچنین عدم وجود انتقاد و یا ارزیابی‌های سریع باعث می‌شود تا اعضای جلسه با فراغت خاطر به اظهارنظر بپردازند و محیطی مساعد برای خلاقیت ایجاد گردد. در این تکنیک، هرچه تعداد ایده‌ها بیشتر باشد بهتر است. کیفیت ایده‌ها بعداً مورد توجه قرار می‌گیرد. افراد به ترکیب کردن ایده‌ها تشویق می‌شوند و از آنها خواسته می‌شود که نسبت به ایده‌های دیگران اشراف پیدا کنند. (آقایی، ۱۳۷۷).

- الگوبرداری از طبیعت (BIONICS): یکی از تکنیک‌های خلاقیت و نوآوری که در ابداعات فنی کاربرد گسترده و موفقی داشته تکنیک تقلید و الگوبرداری از طبیعت است. ابداعاتی که در زمینه علم ارتباطات و کنترل در دهه‌های اخیر شکل

تعلیم و تربیت در حال تغییر از آموزش برای اشتغال و استخدام است. این امر نیازمند آن است که نهادهای آموزشی، افرادی را پرورش دهند که توانایی تشخیص، حل مسئله و تصمیم‌گیری با استفاده از تفکر انتقادی و خلاق را داشته باشند. (والش، ۲۰۰۵). در بررسی متون فارسی، پرورش ندادن تفکر خلاق و انتقادی در بین دانشجویان رشته‌های مختلف، علت ناتوانی آنها در به کارگیری آموخته‌هایشان در محیط‌های واقعی و ناتوانی آنان در ابعاد دانش و عملکرد مدیریتی و در جایگاه مدیریت ذکر شده است و کسب خودباوری حرفه‌ای را مهمترین عامل در تجربه و یادگیری تصمیم‌گیری در محیط واقعی دانسته‌اند. (مقیمیان، ۱۳۹۱). مطالعات نشان می‌دهند که پیچیدگی مسائل قانونی، حرفه‌ای و آموزشی که حسابداران امروزه با آن روبرو هستند، ایجاب می‌کند تا دانشجویان حسابداری مهارت‌های کافی را جهت اخذ آشنایی با قوانین و مقررات حرفه‌ای، مالی، اخلاقی و اقتصادی و حقوقی کسب نمایند. در همین راستا برخی مطالعات به استفاده از رویکردهای مبتنی بر آموزش‌های واقعی و عینی تر، تفکر انتقادی، مشکل‌گشایی و بازاندیشی در جهت بهبود فرآیند یادگیری تأکید نموده‌اند. نمودار شماره ۱ نشانگر الگوی تفکر خلاق رانکو و چاد است که کاربرد آن در جهت تربیت حسابداران مدیریت ماهر و توانمند از طریق آموزش کارآموزی رشته حسابداری می‌تواند موجب توسعه یادگیری حل مسئله، مهارت‌های گروهی، خلاقیت و بهبود اعتماد به نفس حرفه‌ای در بین دانشجویان حسابداری امروز و حسابداران مدیریت فردا شود.

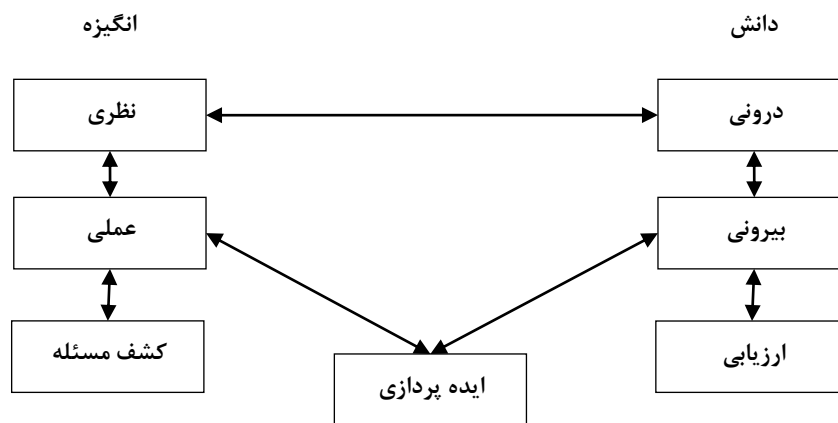
• تفکر موازی

تفکر موازی: واضع این شیوه «ادوارد دهبونو» روش معمول تفکر را همانند حفر گودالی توصیف می‌کند که با افزایش اطلاعات فرد همان گودال را عمیق‌تر می‌سازد و از دیدن جاهای دیگر برای حفر کردن باز می‌ماند، درحالی که تفکر موازی نگاه فرد را به نقاط جدید معطوف می‌سازد و اطلاعات و تجربه‌های جدید صرفاً به اندیشه‌های قبلی افزوده نمی‌شود، بلکه آنها را تغییر داده و الگو و ساختار جدیدی را ایجاد می‌کند. یکی از راه‌های تحقق تفکر موازی، ایجاد یک اندیشه واسطه غیرممکن^۶ است. این اندیشه موجب طیران فکر و ذهن شده و با تعدیل آن می‌توان به اندیشه نو و عملی دست یافت. راه دیگر در تفکر موازی پیوند تصادفی است.

• الگوی تفکر خلاق رانکو و چاد (۱۹۹۵)

در الگوی تفکر خلاق رانکو و چاد (۱۹۹۵) که تحقیقات زیادی را در زمینه‌های مختلف علوم، برانگیخته است، منظور از تفکر خلاق، نوعی تفکر است که منجر به دیدگاه‌های جدید، رویکردهای نوظهور، دور‌نماهای تازه و راه‌هایی برای فهم و درک اشیا و موقعیتها میشود و بر اهمیت دانش، آگاهی و انگیزه در ایجاد تفکر خلاق تأکید دارد. دانش نظری اطلاعات ساده‌ای است که تفکر خلاق با آن درگیر میشود و دانش عملی، تفکری راهبردی است که رانکو و چاد از آن به عنوان توانایی فراشناختی یاد میکنند. (مانگنا، ۲۰۰۵). بررسی رانکو و چاد حاکی از آن است که انگیزه در تفکر خلاق، به خصوص انگیزه درونی دریافت مسئله، اهمیت دارد و به مریبان پیشنهاد میکنند که زمان زیادی را به مهارت‌های تبیین مسئله اختصاص دهند؛ زیرا اهمیت آن کمتر از حل مسئله نیست و در آن از انگیزه‌های بیرونی برای پرورش انگیزه‌های درونی استفاده میشود. آنها تأکید داشتند که انگیزه، به فرآیند شناختی و فراشناختی مانند تشخیص بستگی دارد (وایت، ۲۰۰۳).

در طرح ملی آموزش عالی آمریکا در سال ۲۰۰۱، اشاره شده است که در دنیای فعلی، الگوی عمومی



نمودار ۱- نمودار تفکر خلاق رانکو و چاد (۱۹۹۵)

۲-۵- تفکر و انواع آن

آنچه امروزه باعث تمایز افراد در جوامع می‌شود، به واقع نوع و شکل تفکرات آنهاست، چرا که تفکرات افراد منشاء رفتارها و برخوردهای اجتماعی آنهاست و هر فرد با نوع تفکرات خود، شخصیت کاری و اجتماعی خود را ساخته و به تلاش در چارچوب اعتقادات تفکری خود می‌پردازد. لذا آشنایی با عمده تفکرات انسانی می‌تواند عامل تغییری عمیق و مثبت در شکل زندگی افراد تلقی گردد. هر یک از روش‌های تفکری را می‌توان روش‌هایی دانست که به کمک آنها، قسمتی از فرآیند حل مسئله، با موفقیت طی می‌شود.

از نظر دیویی، تفکر اساسی و واقعی تنها با طی این مراحل ممکن است. اگر تفکر کلیه فرایندهای ذهنی ما را در برگیرد، می‌توان حل مسئله، قضاوت، استنتاج و استدلال و حتی رویا را نیز در زمره‌ی انواع تفکر به حساب آورد. روان‌شناسان مختلف، گرچه موارد نامبرده را به عنوان مثال‌هایی از تفکر می‌پذیرند ولی آن را به عنوان دسته بندی علمی انواع تفکر نمی‌پذیرند.

گلیفورد به عنوان یکی از محققان در زمینه‌ی خلاقیت و سنجش توانایی‌های آفریننده، معتقد است که شیوه‌های تفکر افراد دو گونه است:

- ۱) تفکر همگرا
- ۲) تفکر واگرا

تفکر همگرا، عبارت است از انتخاب مناسب‌ترین راه حل که مبتنی بر کاربرد دانش و قوانین منطق، برای کاستن از تعداد راه‌های ممکن و تمرکز بر مناسب‌ترین راه حل.

تفکر واگرا، عبارت است از مرحله‌ی بررسی راه حل‌های گوناگون که مستلزم به خاطر آوردن راه حل‌های ممکن یا ابداع راه حل‌های جدید. زیرا در این مرحله افکار فرد در جهات متعدد و متنوعی سیر می‌کند.

در تفکر همگرا نتیجه‌ی تفکر از قبل معلوم است. یعنی همیشه یک جواب (درست یا غلط) وجود دارد. اما در تفکر واگرا جوابی قطعی وجود ندارد و تعداد زیادی جواب وجود دارد که از نظر منطقی ممکن است هر کدام از جواب‌ها به گونه‌ای درست باشد.

در گذشته تفکر خلاق را با تفکر واگرا یکی می‌دانستند ولیکن امروزه اعتقاد بر این است که تفکر خلاق حاصل همکاری تفکر واگرا و همگراست. یعنی برای حل مسئله یک فرد ابتدا ذهن خود را آزاد می‌گذارد و راه حل‌های متنوعی را می‌یابد، ولی پس از آن باید با استفاده از تفکر همگرا، محصولات فکری را از نظر علمی یا عملی و یا مفید بودن، مورد بررسی قرار دهد و به بهترین جواب ارزشمند برسد.

تفکر واگرا در واقع همان خلاقیت است و می‌توان گفت که خلاقیت، بیشتر شامل تفکر واگرا می‌گردد؛ البته عده‌ای هم معتقدند در خلاقیت مراحل وجود

دارد که شامل هر دو نوع تفکر می شود. برای مثال هیلگارد، معتقد است که در فرایند خلاقیت، فرد در مواجهه با مسأله، تمامی راه‌های ممکن را بررسی کرده و سپس بهترین راه حل را انتخاب می نماید. به عبارت دیگر، هم از تفکر واگرا و هم از تفکر همگرا استفاده می کند. در نتیجه می توان گفت که خلاقیت، شامل هر دو نوع تفکر می گردد، با این حال با تفکر واگرا همبستگی بیشتری دارد.

بطور عمده تفاوت‌های زیر در تفکیک دو گونه‌ی تفکر مطرح هستند:

جهت تفکر همگرا به سمت عرف و عادات جامعه، راهها و افکار پذیرفته شده است، ولی تفکر واگرا از عرف و عادات دور می شود و سنت شکن است.

در تفکر همگرا، امور مربوط به هم، در نظر گرفته و امور نامربوط، کنار گذاشته می شوند، ولی در تفکر واگرا، بین امور نامربوط ارتباط برقرار می شود. فردی که دارای تفکر واگرا یا خلاق است، سعی می کند، عناصر و اجزاء نامربوط را به هم متصل کند. در تفکر همگرا، امکان اشتباه نیست و فرد سعی دارد، از اشتباه پرهیز نماید. در تفکر واگرا و خلاق، به فرد فرصت اشتباه داده می شود.

برای تفکر منطقی و همگرا، جهت مشخص است، اما مسیر خاصی در تفکر واگرا وجود ندارد و مقصد مشخص نیست. تفکر همگرا و تفکر واگرا نقطه‌ی عطف خلاقیت است. برخی حتی تفکر واگرا و خلاقیت را یکی می دانند. این دو گونه‌ی تفکر در زندگی انسان‌ها نقشی اساسی و حیاتی را ایفا می نمایند. استفاده از هر دو نوع تفکر در تدریس ضروری و اجتناب ناپذیر است.

طی دهه ۱۹۵۰ گلیفورد و همکارانش آزمون‌هایی برای اندازه‌گیری تفکر واگرا تهیه کردند. در همه این آزمون‌ها از آزمودنی خواسته می شود که صرفاً به دادن یک پاسخ اکتفا نکند. گلیفورد معتقد است که در تفکر واگرا ۳ ویژگی یا ۳ عنصر دخالت دارند:

- ✓ انعطاف پذیری یا نرمش اندیشه،
- ✓ اصالت اندیشه
- ✓ سیالی اندیشه.

یعنی هر چه تفکری انعطاف پذیرتر، اصیل تر و سیال تر باشد، واگرایی آن بیشتر است و در نتیجه این نوع تفکر خلاقتر است.

آزمون گلیفورد برای اندازه‌گیری انعطاف پذیری تفکر «آزمون استفاده‌های غیر معمول» نام دارد؛ برای مثال به آزمون شونده کلمه آجر داده می شود و از او خواسته می شود تا در مدت ۸ دقیقه تمام موارد استفاده آجر را بیان کند.

پاسخ یکی از دانش‌آموزان این گونه بوده است: «ساختن خانه / ساختن طویله / ساختن مدرسه / ساختن کلیسا / ساختن دودکش / ساختن اجاق و ...» چنانچه ملاحظه می شود همه این پاسخ‌ها طبقه واحدی از استفاده از آجر یعنی ساختن مربوط می شود و نشان دهنده انعطاف پذیری و واگرایی کمی می باشد. دانش‌آموز دیگری این پاسخ‌ها را داده است: «گذاشتن جلو در / زدن به یک سگ / درست کردن قفس کتاب / غرق کردن یک گربه / کوفتن به میخ / درست کردن دروازه‌های فوتبال و ...» به اعتقاد گلیفورد این پاسخ‌ها انعطاف پذیرند و نشان دهنده واگرایی بیشتر تفکر اند.

سیالی اندیشه به تعداد پاسخ‌های مختلفی که آزمودنی به یک سوال می دهد اشاره می کند. در آزمون‌های سنجش سیالی، سرعت و تعداد پاسخ‌های داده شده ملاک هستند که این تعدد جواب‌ها در اکثر مواقع باعث افزایش احتمال واگرا بودن تفکر می شود. در گذشته تفکر خلاق را با تفکر واگرا یکی می دانستند و لیکن امروزه اعتقاد بر این است که تفکر خلاق حاصل همکاری تفکر واگرا و همگراست. یعنی برای حل مسئله یک فرد ابتدا ذهن خود را آزاد می گذارد و راه حل‌های متنوعی را می یابد، ولی پس از آن باید با استفاده از تفکر همگرا، محصولات فکری را از نظر علمی یا عملی و یا مفید بودن مورد بررسی قرار دهد و به بهترین جواب ارزشمند برسد.

۳- روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر یک پژوهش نیمه تجربی، مبتنی بر رویکرد فلسفی و علمی است که به بررسی تأثیر

حلهایی متفاوت که ارزشهای برابر دارند، وجود دارد. « می باشد و پایایی آن را ذهبیون در سال ۲۰۰۹ در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با ضریب آلفا کرونباخ ۰ / ۸۵ مورد تأیید قرار داده است.

چک لیست مهارت‌های مدیریتی، شامل عملکرد مهارت‌های مدیریتی و مشتمل بر ۶۰ گویه است و محتوای آن بر اساس مباحث و اهداف حسابداری مدیریت تنظیم و در گویه‌های آن متناسب با موضوع حسابداری مدیریت تغییراتی اعمال شد. برخی از گویه‌های آن در مهارت‌های عمومی و ویژه مدیریتی شامل: «- هر روز صبح تعداد اسناد مالی و درخواست‌های خرید را کنترل میکند. هر روز صبح وضعیت موجودی انبار را بررسی می‌کند. هر روز صبح میزان نقدینگی موسسه را چک میکند. - هر روز وضعیت مطالبات و چک‌های پرداختی را بررسی و پیگیری می‌کند. - در پایان هر روز مغایرت‌گیری می‌کند - فهرستی از مشکلات بخش را تهیه میکند. - علل ایجاد کننده هر مشکل را لیست مینماید. - راه‌حلهای موجود برای حل هر مشکل را ارائه می‌نماید.» می‌باشد.

شیوه پیاده سازی الگوی تفکر خلاق «رانکو و

چاد» در دوره کارآموزی دانشجویان

دوره کارآموزی دانشجویان حسابداری به مدت ۳۶۰ ساعت معادل ۴۵ روز، بجز روزهای تعطیل، حضور ۸ ساعته در محیط مورد تأیید کارآموزی، برگزار می‌شود و هدف آن آشنایی دانشجویان ترم آخر این رشته با شرایط محیط کار و پرورش استعدادها و مهارت‌های عملی آنان است. دانشجویان پس از انتخاب و تأیید محل کارآموزی توسط استاد مربوطه، دوره کارآموزی خود را در آن مکان، زیر نظر مربی کارآموزی که در هدایت و سرپرستی، نظارت، آموزش و ارزشیابی این دانشجویان نقش دارد، آغاز میکنند.

نحوه تنظیم سؤالات پرسشنامه در الگوی تفکر خلاق «رانکو و چاد» به گونه‌ای تنظیم گردیده که بر اساس آن باید محتوای دروس تخصصی رشته حسابداری بتواند دانشجویان را به شکل زیر با

بکارگیری تفکر خلاق در ارتقاء مهارت‌های حسابداری مدیریت در بین دانشجویان کارشناسی حسابداری می‌پردازد. در حقیقت بر اساس این رویکرد محقق قصد دارد به بیان فلسفی، نقش تفکر خلاق و مدیریت آن در دانش حسابداری مدیریت را تبیین کند و به سوال اصلی پژوهش یعنی آیا می‌توان با بکارگیری رویکرد تفکر خلاق، مهارت‌های حسابداری مدیریت را در بین دانشجویان حسابداری افزایش داد؟ پاسخ دهد.

جامعه آماری این پژوهش، کل دانشجویان ترم آخر کارشناسی ناپیوسته رشته حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ است. از جمله ملاک‌های انتخاب نمونه پژوهش، ترم آخر بودن دانشجو و اخذ درس کارآموزی در نیمسال اول سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ می‌باشد که در نهایت جمعا تعداد ۵۰ نفر به عنوان نمونه پژوهش انتخاب و در طی دوره کارآموزی در مدت یک نیمسال تحصیلی مورد مطالعه قرار گرفتند، در این پژوهش، دانشجویان به دو گروه ۲۵ نفره به نام‌های گروه شاهد و گروه آزمون تقسیم شدند.

گروه شاهد، گروهی است که نقش و اهمیت تفکر خلاق و توانایی حل مسئله برای آن تبیین نمی‌شود و وارد گذراندن دوره کارآموزی می‌شود. گروه آزمون نیز گروهی است که پس از تبیین نقش، اهمیت و کارکرد تفکر خلاق وارد دوره کارآموزی می‌شود.

در این پژوهش، از پرسشنامه تفکر خلاق که یکی از پرسش‌نامه‌های معتبر برای سنجش تفکر خلاقانه می‌باشد و چک لیست مهارت‌های مدیریتی استفاده شده است.

پرسشنامه تفکر خلاق ۱۲ زوج عبارت دارد که دانشجو باید از هر زوج عبارت، یکی را که بیشتر به رفتارش نزدیک است، علامت بزند. برخی از این گویه‌ها شامل: «ترجیح می‌دهم در مورد عقاید و نظرات با سایر افراد در گروه بحث و جدل نمایم. ترجیح می‌دهم نظراتم را به تنهایی مورد ملاحظه و بررسی قرار دهم. بر این باورم که معمولا برای مسائل و مشکلات یک راه حل که بهترین راه است، وجود دارد. بر این باورم که برای بسیاری از مسائل و مشکلات راه

مهارت‌های تفکر خلاق آشنا سازد. برای اجرای الگوی تفکر خلاق رانکو و چاد، ۵ جلسه برای دانشجویان حسابداری در طی ۵ هفته متوالی برگزار می‌شود و در هر جلسه دانشجویان با موارد زیر آشنا می‌شوند. در جلسه اول با بخش و وظایف محوله در آن موسسه آشنا می‌شوند و سپس هر هفته به ترتیب در نقش‌های حسابداری، مدیر مالی، انباردار، کارپرداز و ذیحساب شاغل، وظایف محوله را انجام می‌دهند. در راستای مرحله ارائه دانش نظری الگوی مذکور، در جلسه اول کار گروه، ابتدا مباحث مربوط به الگوی تفکر خلاق شامل تعریف، قوانین، شناخت و موانع آن به شیوه سخنرانی بیان می‌شود. سپس با هدف تمرکز بر مرحله انگیزه درونی و بیرونی مطرح شده در الگو، شرح چند سناریوی فرضی موجود در بخشهایی که محل ارائه کارآموزی بود به دانشجویان داده و از آنها خواسته می‌شود تا بر اساس انگیزه و تمایل خود و ارزیابی‌های لازم بعد از حضور در بخش، برای جلسه دوم کارگروه یکی را انتخاب کنند. (رانکو، ۱۹۹۵).

در جلسه دوم، پس از انتخاب موضوع، در مورد سناریوهای فرضی انتخاب شده توسط دانشجویان، بحث و اظهار نظر و دانش و اطلاعات آنها در زمینه علت ایجاد مشکل و تبعات حاصله از آن در راستای اهداف سازمان و مبحث حسابداری مدیریت ارزیابی می‌شود. در مرحله بعد، با ارائه راهنمایی، از آنها خواسته شد در راستای اجرای مرحله کشف الگو، برای جلسه بعدی، با برگزاری جلسات گروهی و هم‌اندیشی با یکدیگر، مشکلات موجود در آن سناریو را کشف و با بررسی ریشه آنها در محیط، به ایده پردازی جهت حل آن پرداخته و ایده‌های مختلف حل مشکل را توسط سرگروه در فرصت اختصاص داده شده در کارگروه بعد، ارائه نمایند.

در جلسه سوم، هدف اجرای مرحله ایده پردازی در الگوی مورد نظر است لذا ایده‌های حل مشکلات موجود در هر سناریو توسط سرگروه‌ها بیان و به بحث گذاشته می‌شود و چالش‌ها و موانع مشخص گردیده تا برای جلسات بعدی با انجام بررسی‌های

بیشتر در زمینه قابلیت اجرایی بودن ایده در محیط، بهترین ایده توسط هر گروه مشخص گردد.

در دو جلسه پایانی، با بحث پیرامون ایده‌ها، اطلاعات، جمع‌بندی و بهترین ایده اعلام می‌شود و پس از هماهنگی و توجیه مسئولین بخشها توسط مربی، هر گروه از دانشجویان موظف به اجرای آن ایده در محل کارآموزی خود می‌شوند (واناکی، ۲۰۰۸).

بنابراین، در طول گذراندن دروس تخصصی با توجه به معیارهای الگوی تفکر خلاق «رانکو و چاد» معیارها ارزشیابی می‌شود. این معیارها به دو بخش رفتارهای ویژه مدیریتی، شامل عملکردهایی که دانشجویان را برای پذیرش نقش مدیریتی مدیر مالی و یا رییس اداره حسابداری و اقدامات اجرایی مرتبط با آن آماده می‌نماید و مهارت‌های عمومی مدیریت که مدیران در اداره بخش از آن استفاده می‌نمایند، تفکیک شده است.

هر یک از گویه‌ها در چهار رتبه ضعیف (۰)، متوسط (۱)، خوب (۱/۵) و تا عالی (۲) طراحی و نمره گذاری شده‌اند. با توجه به این که فرم ارزشیابی مذکور بر مهارت‌های مشکل‌گشایی و حل مسئله تأکید دارد، جهت این مطالعه انتخاب گردید.

روایی و پایایی این ابزار در مطالعات متعددی سنجیده شده و پایایی با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۵ در ثبات درونی، قابلیت ابزار در سنجش عملکرد دانشجویان را مورد تأیید قرار داده است (واناکی، ۲۰۰۸). با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون تی مستقل و زوجی و آزمون همبستگی به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شد. سطح معناداری کلیه آزمونها ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

۴- یافته‌های پژوهش

بر اساس نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها، از نظر جنسیت، از مجموع ۵۰ نفر دانشجوی ترم آخر، تعداد ۲۸ نفر معادل ۵۶ درصد مرد و ۲۲ نفر معادل ۴۴ درصد زن بودند. از نظر گروه سنی، تعداد ۳۸ نفر (۷۵ درصد) دانشجویان در دو گروه مورد بررسی بین ۲۳ تا ۲۴ سال سن داشتند و تعداد ۱۲ نفر (۲۵ درصد)

وابسته براساس تغییرات متغیرهای مستقل مدل بیان می‌شود و مابقی آن متاثر از سایر عواملی است که قابل مشاهده نیستند.

در جدول ۱ شاخص‌های آماری میانگین و انحراف استاندارد تفکر خلاق و مهارت‌های حسابداری مدیریت گروه‌ها در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون ارائه شده است.

با توجه به نتایج جدول ۱ میانگین پس‌آزمون تفکر خلاق گروه آزمون ($M=3/39$) در مقایسه با گروه کنترل ($M=2/68$) بیشتر است. همچنین میانگین پس‌آزمون مهارت‌های حسابداری مدیریت گروه آزمون ($M=1/96$) در مقایسه با گروه کنترل ($M=2/85$) کمتر است.

در جدول ۲ نتایج مربوط به مقایسه میانگین نمرات تفکر خلاق دانشجویان قبل و بعد از مداخله در دو گروه نشان داده شده است.

بر اساس نتایج بدست آمده، دامنه نمره تفکر خلاق دانشجویان قبل از کارآموزی در گروه شاهد بین ۵ تا ۱۱ و در گروه آزمون بین ۵ تا ۱۲ در نوسان بود. بر اساس نتایج جدول شماره ۲، میانگین نمرات تفکر خلاق قبل از گذراندن دوره کارآموزی در دو گروه تفاوت معناداری نداشت ($P=0/505$)؛ اما بعد از گذراندن دوره کارآموزی، میانگین نمرات تفکر خلاق به طور معنادار به عدد ($P=0/005$) افزایش یافت.

مابقی دانشجویان بیشتر از ۲۴ سال سن داشتند. تعداد ۳۱ نفر (۶۲ درصد) دانشجویان مجرد و تعداد ۱۹ نفر (۳۸ درصد) آنها متأهل بودند و تعداد ۴۵ نفر (۹۰ درصد) آنها سابقه کار نداشتند و تنها تعداد ۵ نفر (۱۰ درصد) دانشجویان دارای سابقه کار بودند. تعداد ۲۲ نفر (۴۳ درصد) دانشجویان مورد بررسی در هر دو گروه، دارای معدل خوب بین ۱۷ تا ۲۰ بودند و مابقی دانشجویان یعنی تعداد ۲۸ نفر (۵۷ درصد)، دارای معدل زیر ۱۷ بودند. آزمون‌های آماری کای دو، فیشر و تی مستقل، همسانی گروه‌ها را از نظر مشخصات دموگرافیک نشان دادند ($P<0/05$).

پیش از تحلیل داده‌ها با روش تحلیل کوواریانس پیش فرض‌های پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. نتایج آزمون کولموگروف - اسمیرنوف برای هیچ یک از متغیرها معنادار نبود که این یافته حاکی از آن است که فرض نرمال بودن برقرار است.

برای ارزیابی اعتبار مدل از آزمون آماری آنالیز واریانس (Anova) استفاده شده است. در این آزمون آماره‌های F و سطح معنی‌داری آن به ترتیب ۹/۹۶۴ و صفر می‌باشد. از این رو آزمون مذکور صحت مدل را تأیید می‌کند. هم‌چنین ضریب تعیین مدل رگرسیون (R) که نسبتی از واریانس بیان شده به کل واریانس را نشان می‌دهد برابر ۱۸/۵ درصد است. این موضوع بیانگر آن است که ۱۸/۵ درصد تغییرات متغیر

جدول ۱- میانگین و انحراف استاندارد پیش‌آزمون و پس‌آزمون تفکر خلاق و مهارت‌های حسابداری مدیریت گروه‌های آزمون و کنترل

گروه‌ها	تعداد	تفکر خلاق					
		پیش‌آزمون		پس‌آزمون		مهارت‌های حسابداری مدیریت	
		SD	M	SD	M	SD	M
گروه آزمون	۲۵	۰/۷۳	۲/۵۸	۰/۷۶	۳/۳۹	۰/۸۷	۲/۸۸
گروه کنترل	۲۵	۰/۷۰	۲/۶۴	۰/۶۲	۲/۶۸	۰/۸۴	۲/۸۵

جدول ۲- مقایسه میانگین نمرات تفکر خلاق دانشجویان قبل و بعد از مداخله در دو گروه

مقدار (P)	آزمون تی (t)	انحراف معیار (S)	میانگین (X)	تفکر خلاق	
				شاهد	آزمون
۰/۵۰۵	۰/۷۹۵	۲/۰۵	۵/۱۱	شاهد	قبل از کارآموزی
				آزمون	قبل از کارآموزی
۰/۰۰۵	۳/۰۳	۲/۰۵	۵/۱۱	شاهد	بعد از کارآموزی
				آزمون	بعد از کارآموزی

جدول ۳- توزیع فراوانی مطلق و نسبی واحدهای پژوهش بر حسب «مهارت‌های حسابداری مدیریتی» در دو گروه قبل و بعد از مداخله

آزمون				شاهد				مهارت‌های دانشجویان
بعد از کارآموزی		قبل از کارآموزی		بعد از کارآموزی		قبل از کارآموزی		
فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	
۶۸٪	۱۷	۳۶٪	۹	۱۲٪	۳	۴٪	۱	خوب
۲۴٪	۶	۴۰٪	۱۰	۷۲٪	۱۸	۶۸٪	۱۷	متوسط
۸٪	۲	۲۴٪	۶	۱۶٪	۴	۲۸٪	۷	ضعیف
۱۰۰٪	۲۵	۱۰۰٪	۲۵	۱۰۰٪	۲۵	۱۰۰٪	۲۵	جمع

شماره ۵، بعد از مداخله مهارت‌های مدیریتی دو گروه با هم تفاوتی نداشتند ($P=0/14$).

البته در گروه آزمون بکارگیری الگوی تفکر خلاق در کارآموزی موجب افزایش بیشتر مهارت‌های مدیریتی در ابعاد مهارت‌های ویژه و عمومی مدیریت نسبت به گروه شاهد گردیده بود. به گونه ای که بر اساس نتایج جدول شماره ۴، آزمون تی زوجی، اختلاف میانگین نمرات مهارت‌های مدیریتی قبل و بعد از بکارگیری الگوی تفکر خلاق رانکو و چاد در کارآموزی حسابداری را در هر دو گروه جدول معنادار نشان داد ($P=0/006$).

آزمون همبستگی اسپیرمن نشان داد که بین نمرات تفکر خلاق و مهارت‌های مدیریتی در گروه آزمون رابطه معنادار وجود دارد ($r = 0/011$, $P = 0/389$). اما در گروه شاهد این رابطه معنادار نبود ($r = 0/2$, $P = 0/215$).

بر اساس نتایج جدول شماره ۳، اکثر دانشجویان ۷۲ درصد در گروه شاهد بعد از مداخله سطح مهارت‌های مدیریتی آنان در حد متوسط بود ولی در گروه آزمون بعد از مداخله اکثر دانشجویان ۶۸ درصد در سطح خوب مهارتی قرار داشتند. میانگین نمرات مهارت‌های مدیریتی قبل از بکارگیری الگوی تفکر خلاق رانکو و چاد در کارآموزی حسابداری در گروه شاهد $15 \pm 3/5$ و در گروه آزمون $15 \pm 3/5$ بود که قبل از بکارگیری الگوی تفکر خلاق رانکو و چاد در کارآموزی بین دو گروه تفاوت معناداری نشان نداد ($P > 0/05$). بعد از بکارگیری الگوی تفکر خلاق رانکو و چاد در کارآموزی، میانگین نمرات مهارت‌های مدیریتی مجموع ویژه و عمومی، در گروه آزمون به $18/7 \pm 3/1$ افزایش معنادار یافت ($P < 0/001$).

جدول ۴- مقایسه میانگین مهارت‌های مدیریتی دانشجویان دو گروه در قبل و بعد از مداخله

گروه شاهد		گروه آزمون	
قبل	بعد	قبل	بعد
۱۵/۶ (۲/۲)	۱۶/۹۵ (۱/۹۶)	۱۱/۷۵ (۳/۱)	۱۸/۷ (۳/۱)
$(P = 0/005, t = 3/04)$		$(P < 0/001, t = 4/12)$	
آزمون اختلاف میانگین‌ها: $(P = 0/006, t = 3/15)$			

بر اساس نتایج جدول شماره ۴، میانگین نمرات در گروه شاهد نیز $16/95 \pm 1/96$ به دست آمد که آزمون آماری این افزایش را در دو گروه معنادار نشان داد ($P = 0/005$). بعبارت دیگر، بر اساس نتایج جدول

جدول ۵- مقایسه میانگین مهارت‌های مدیریتی دانشجویان قبل و بعد از مداخله در دو گروه

قبل		بعد	
گروه شاهد	گروه آزمون	گروه شاهد	گروه آزمون
۱۵/۶ (۲/۲)	۱۱/۷۵ (۳/۱) ۱۵/۲	۱۶/۹۵ (۱/۹۶)	۱۸/۷ (۳/۱)
$(P = 0/09, t = 1/36)$		$(P = 0/14, t = 0/28)$	

۵- نتیجه‌گیری و بحث

در مطالعه حاضر تأثیر بکارگیری الگوی تفکر خلاق «رانکو و چاد» بر مهارت‌های مدیریتی دانشجویان حسابداری بررسی گردید. یافته‌های به دست آمده نشان داد که هر دو گروه آزمون و شاهد در بررسی میانگین نمرات مربوط به مهارت‌های مدیریتی، نسبت به قبل از اجرای مداخله، تغییر مثبت معنی‌داری داشته‌اند. البته مقایسه تفاوت میانگین‌های قبل و بعد دو گروه معناداری آن را تأیید نموده است.

این یافته‌ها حاکی از اثربخشی برنامه بکارگیری الگوی تفکر خلاق بر مهارت‌های مدیریتی دانشجویان حسابداری در گروه آزمون نبود. اما نتایج بخوبی نشان داد که دو گروه از نظر رشد تفکر خلاق با یکدیگر متفاوت هستند. بعبارت دیگر، آموزش خلاقیت توانسته نحوه تفکر خلاق را بهبود بخشد و متعاقباً هم مهارت‌های حسابداری مدیریتی را ارتقاء داده است. اما به دلایل محدودیت‌های موجود از جمله ماهیت و فرایند تبدیل «تفکر به عمل» در زمان اختصاص یافته به این مطالعه، ۴۵ روز کار آموزی، بروز رفتارهای / مهارت‌های مدیریتی در گروه آزمون نسبت به گروه شاهد معنا دار نبوده است. البته مطالعات مشابه نیز نشان می‌دهند که آموزش خلاقیت قادر است سطح عملکرد ذهنی و شخصیتی افراد را برای کارکرد و انطباقی بهتر و بالاتر ارتقا دهد.

نتایج حاضر نشان داد میانگین نمره مهارت‌های مدیریتی در گروه آزمون بیشتر بوده است. نتایج پژوهش موتاری که در سال ۲۰۰۱ انجام شد، نشان دهنده تأثیر تفکر بر استدلال استقرایی دانشجویان پرستاری بود. در پژوهش‌های مشابه تأثیر تفکر بر انگیزش و مکانیزم‌های خود تنظیمی مثبت ارزیابی شده است. بنابراین با درگیر شدن در بازاندیشی و تفکر، توانایی شناختی افراد رشد پیدا میکند. بر اساس دیدگاه ساخت‌گرایی شناختی پیازه نیز میتوان گفت که ساخته ذهنی دانشجو و استاد از طریق مواجهه با یک مسئله واقعی در کلاس درس و تأمل و تفکر در مورد مسئله پیش آمده دچار حالت عدم تعادل شده و آنها به تلاش فکری وادار میشوند تا با جستجوی

اطلاعات و تبادل اندیشه و از طریق کنش متقابل در گروه‌های کوچک، افکار دیگران را تجربه کرده و ساختارهای فکری خود را که در ابتدا از چارچوب داوری خود محورانه شکل گرفته بود، تغییر دهند که این دیدگاه روند اجرایی الگوی تفکر خلاق رانکو و چاد و تأثیر آن بر رشد تفکر خلاق دانشجویان در مطالعه حاضر را مورد تأیید قرار می‌دهد.

یافته‌ها در این مطالعه نشان داد که بین نمرات تفکر خلاق و مهارت‌های مدیریتی دانشجویان در گروه آزمون رابطه معناداری وجود دارد؛ به عبارتی با تمرکز بر استفاده از توانمندی‌های خلاق در حسابداری میتوان مهارت‌های مدیریتی حسابداری را که با تمرکز بیشتر بر مدیریت حسابداری استوار است، ارتقا بخشید.

به نظر میرسد در دستیابی به شاخصهایی که در مطالعات پیشگفته بیشتر مورد تمرکز قرار گرفتند، آموزش شیوه‌های تفکر سطح بالا کمک کننده باشند؛ زیرا همگی محصول تغییر نوع تفکر و نگرش مدیران می‌باشند. بین میزان استفاده از تفکر خلاق در مهارت‌های مدیریتی و میانگین نمرات دانشجویان (معدل)، رابطه معناداری مشاهده نشد. اگر میانگین نمرات را به عنوان یک عامل پیشرفت تحصیلی در نظر بگیریم، مسئله به این صورت قابل تبیین است که آنچه آزمون‌های پیشرفت تحصیلی اندازه میگیرند با آنچه به عنوان خلاقیت انتظار میرود از لحاظ محتوا متفاوت است. بدیهی است که با آموزش‌های سنتی رایج در مراکز آموزشی ما، بین پیشرفت تحصیلی و خلاقیت رابطه‌ای مشاهده نشود. در این مورد نتیجه تحقیق ما با نتایج تحقیق مرفاوی در سال ۲۰۰۱ همسو است.

از طرفی مشاهده میشود در مواردی که روشهای آموزشی سنتی در حد بسیار خوب ارائه میگردد و دانشجو با نمرات عالی فارغ التحصیل میشود، در جامعه کاری خویش، فردی مفید، به آن شکلی که سیاست آن مجموعه می‌طلبد، ظاهر نمی‌گردد که این را میتوان به معنای عدم توانایی توجه به خصوصیات خاص فردی و نیز عدم بهره‌گیری از توان خلاقیت آن فرد دانست که ناشی از فقدان آموزش

مؤثر در این زمینه بوده است؛ زیرا روانشناسان معتقدند نحوه استفاده از قدرت تفکر خلاق به وسیله آموزش مهارت‌های خلاقیت میسر می‌گردد (فاچون ۲۰۱۱).

با توجه به مشهود شدن اثر آموزش بکارگیری تفکر خلاق بر نمره خلاقیت دانشجویان حسابداری در این پژوهش، میتوان گفت مدرسان حسابداری میتوانند در محیط‌های آموزشی با طراحی راهبردهای جدید و اثربخش آموزشی فرصت‌های مناسبی جهت رشد تفکر خلاق در دانشجویان فراهم کنند. از آنجا که تلاش جهت فعال و خلاق نمودن دانشجو در فرایند یاددهی-یادگیری یکی از مهمترین وجوه انتخاب شیوه آموزش در دانشگاه‌ها میباشد، لازم است تدابیری اندیشیده شود تا مسئولان و برنامه ریزان آموزشی استفاده از راهبردهای خاص را جهت ارتقاء خلاقیت تأکید نمایند.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد اکثر دانشجویان درگروه شاهد بعد از مداخله تفکر خلاق، سطح مهارت‌های حسابداری مدیریتی آنان درحد متوسط بود ولی سطح مهارت‌های حسابداری مدیریتی اکثر دانشجویان در گروه آزمون، در سطح خوب مهارتی قرار داشتند. بعد از بکارگیری الگوی تفکر خلاق رانکو و چاد در کارآموزی، میانگین نمرات مهارت‌های مدیریتی هم در گروه آزمون و هم در گروه شاهد افزایش معنادار یافت. البته در گروه آزمون بکارگیری الگوی تفکر خلاق در کارآموزی موجب افزایش بیشتر مهارت‌های مدیریتی در ابعاد مهارت‌های ویژه و عمومی حسابداری مدیریتی نسبت به گروه شاهد گردیده بود. بر اساس نتایج بدست آمده، اگر چه آموزش تفکر خلاق میتواند تفکر خلاق را بهبود بخشد ولی بروز رفتارها یا مهارت‌های مدیریتی دانشجویان حسابداری نیازمند زمان بیشتری است و باید در این زمینه، بستر و شرایط مناسب فراهم شود.

همچنین به منظور تربیت حسابداران مدیریتی با مهارت‌های خلاقانه تفکر، اجرای برنامه طراحی شده بهبود تفکر خلاق، بر اساس الگوی تفکر خلاق رانکو و چاد در بین دانشجویان رشته حسابداری میتواند

راهنمای عملکردی استادان و مربیان کارآموزی رشته حسابداری قرار گیرد. بنابراین مدرسان دانشگاهها در افزایش خلاقیت دانشجویان که زمینه ساز رشد توانمندی حرفه ای آنان است، نقش مهمی ایفاء می نمایند. در این راستا با توجه به اینکه رسالت اصلی دانشگاه‌ها در هر کشوری تربیت و آماده سازی نیروی انسانی متخصص و مورد نیاز مشاغل مختلف بازار کار می باشد، ابتدا باید در مرحله نخست نیازهای تخصص بازار کار حوزه فعالیت حسابداری مدیریت را شناسایی کرده و در مرحله بعد با برنامه ریزی صحیح و حساب شده اقدام به هدایت دانشجویان این رشته جهت فراگیری تخصص مورد نیاز بازارهای مذکور را نمایند. پیشنهاد میشود دست اندرکاران آموزش حسابداری، در به کارگیری این الگو در برنامه ریزی های درسهای نظری و عملی بطور همزمان توجه بیشتری مبذول نمایند تا اثربخشی بیشتری داشته باشد.

فهرست منابع

- * باغومیان، رافیک، رحیمی باغی، علی، (۱۳۹۰)، موانع پیشرفت آموزش حسابداری در ایران، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال ۱۰، شماره ۳۲
- * ترزا ام. اماپایل، (۱۳۷۹)، خلاقیت را چگونه از بین ببریم، مترجم: حسین حسینیان، مجله تدبیر، شماره ۱۰۳
- * رهنمای رودپشتی، فریدون، حسابداری مدیریت راهبردی، مبتنی بر مدیریت هزینه ارزش آفرینی، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۸۷
- * رهنمای رودپشتی، فریدون، وکیلی فرد، حمیدرضا و رئیس‌زاده، سیدمحمد رضا (۱۳۹۰) تعیین اولویت‌ها و نیازهای آموزشی محتوای دروس حسابداری از دیدگاه دانشجویان، اساتید دانشگاه، شاغلین در حرفه و ارایه الگویی موثر، تحقیقات حسابداری

- Research in organizational Behavior . vol ، 10 ، 123_167.
- * Ament L. Clinical education in managed care for advanced practice nurses: A case example. Nurse Education Practice. 2005;5(6):368-374
- * Bob, L., & Roisin, D. (2010). Using podcasts to support communication skills development: A case study for content format preferences among postgraduate research students. Computers and Education, 54(4), 962-971.
- * Duff, A. (2004) "Understanding Academic Performance and Progression of First-year Accounting and Business Economics Undergraduates: The Role of Approaches to Learning and Prior Academic Achievement" Accounting Education, 13(4), 409-430.
- * Krausz, J., Schiff, A. I., Schiff, J. B., & VanHise, J. (1999) "The Effects of Prior Accounting Work Experience and Education on Performance in the Initial Graduate-level Accounting Course" Issues in Accounting Education, 14(1), 1-9.
- * Mellou.E ، (1996). Can creativity be nurtured in young children early child development and care V. Creativity & Innovation Management، Vol14، No.3.PP.119-130
- * Tynjala P. Traditional studying for examination versus constructivist learning tasks. Studies in Higher Education.1998; 23(21): 173-189.
- * Walsh P, Jones K. An exploration of tripartite collaboration in developing a strategies approach to the facilitation of practice learning. Nurse Education in practice. 2005; 5(1): 49-57.
- * White AH. Clinical decision making among fourth-year nursing students: an interpretive study. Journal of Nursing Education. 2003; 42(3): 113-120.
- * Zanganeh, H. (2007). Effect of using information and communication technology on creative thoughts training among middle third year students in Tehran. M. A. Thesis, Psychology and Training Sciences College, Allameh Tabatabaie University. (in Persian).
- * شباهنگ، رضا، نشریه شماره ۸۱، چاپ سوم، تهران، انتشارات مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی سازمان حسابداری، ۱۳۷۲
- * عرب مازار یزدی، محمد، حجت ثابتی و علی گلی (۱۳۸۶)، آموزش حسابداری در عصر فناوری و ارتباطات، مجله حسابداری، شماره ۱۹۰، ص ۲۶
- * مجتهدزاده ویدا (۱۳۸۰)، بررسی برنامه آموزشی حسابداری در دانشگاه‌های ایران در مقطع کارشناسی: دیدگاه‌های شاغلین در حرفه حسابداری، فصلنامه علمی- پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س) شماره ۳۷ و ۳۸
- * مشایخی، بیتا و ایرج نوروش (۱۳۸۴)، نیازها و اولویت‌های آموزشی حسابداری مدیریت: فاصله ادراکی بین دانشگاهیان و شاغلین در حرفه حسابداری، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۱، سال دوازدهم، صص ۱۶۱-۱۳۳
- * مقیمیان، مریم، امینی، راضیه (۱۳۹۱)، تأثیر به کارگیری الگوی تفکر خلاق «رانکو و چاد» بر مهارت‌های مدیریتی دانشجویان پرستاری، مدیریت پرستاری، شماره ۱، دوره ۱
- * منطقی، مرتضی (۱۳۸۵)، بررسی چالش‌های فراروی نوآوری‌های آموزشی، فصلنامه علمی پژوهشی نوآوری‌های آموزشی، سال پنجم، بهار ۱۳۸۵، شماره ۱۵
- * نصیرزاده، فرزانه، وهاب رستمی، (۱۳۹۳)، چالش‌های آموزش حسابداری در ایران از دید شاغلین حرفه و مراجع دانشگاهی، دانش حسابداری سال چهاردهم بهار ۱۳۹۳ شماره ۵۴
- * نوروش، ایرج (۱۳۸۲) بررسی فرایند تغییر برنامه درسی و پیشنهاد یک برنامه درسی نوسازی شده برای دوره کارشناسی، مجله بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، سال دهم، شماره ۳۲
- * A, Chabeli M. Strategies to overcome obstacles in the facilitation of critical thinking in nursing education. Nurse Education Today. 2005; 25(4): 291-298.
- * Amabile ، Teresa ، M (1998) . Model of creativity & Innovation in organization .

یادداشت‌ها

1. CREATIVITY
2. GUILFORD
3. preparation
4. Verification
5. BRAIN STORMING
6. Intermediate impossible

